

نشریه

پیام فلزکار

شماره چهارم - نیمه اول بهمن
سال 90

E-mail: skfelezkar@gmail.com

کارگر متحد همه چیز ، کار گر متفرق هیچ چیز

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

● محدوده فعالیت سندیکا و رهبران سندیکایی تا کجاست؟ - مازیار گیلانی نژاد

● سندیکا، سنگر طبقه کارگر

● به مناسبت شب یلدا - داوود عرفانی

● علی امید، الگوی کوشندگان کارگری ایران

● گزارشی از همایش سیاست گذاری های جدید قانون کار

● ادبیات - فضای هولناک - علی مرندی

مجوز واردات میوه از
سوی وزارت معدن و
تجارت و گمرک

صفحه 8

همکاری وزارتخانه های بازرگانی،
راه، گمرک، بانک مرکزی و وزارت
اقتصاد با گروه آریا در اختلاس 3000
میلیاردی

صفحه 7

بی توجهی بخش
خصوصی به ایمنی کار
برای پنجمین بار در یک
کارخانه حادثه آفرید

صفحه 8

آسیب شناسی جنبش سندیکاخواهی نوین



مازیار گیلانی نژاد

محدوده فعالیت سندیکا

و رهبران سندیکایی

تا کجاست؟

ورزند؟ آیا آنان مجازند بدلیل شرایط ویژه برای خود امتیازاتی را قابل شوند؟ آیا رهبران سندیکایی مجازند بدلیل جایگاه ویژه خود نزد سندیکا و نزد مردم اعلامیه و بیانیه سیاسی بدون مشورت با سندیکا بدهند؟ آیا خانواده رهبران سندیکایی می توانند در نبود این رهبران در امور جاری سندیکا دخالت کرده و یا امتیاز ویژه ای را طلب کنند؟

واقعا چه فرقی بین رهبران کارگری و رهبران اتحادیه های کارفرمایی است؟ رهبران اتحادیه های کار فرمایی هر حرکتی را از دریچه سود شخصی ارزیابی کرده بجز منافع شخصی و گروهی به هیچ مسئله دیگری توجه ندارند، کما اینکه امروز برلوسکونی و سارکوزی نماد این گونه رهبران کارفرمایی هستند.

فعالیت هر نهادی به خصوص سندیکاهای کارگری در شرایط سخت باید در راستای شفافیت عملکرد و درچارچوب اساسنامه، انضباط مالی و تشکیلاتی برای هیات مدیره و فعالان سندیکایی باشد، تا در دوران فضای باز به اعضا و دوستدارانشان گزارش روزهای سخت را بدهند. شفافیت عملکرد رهبران کارگری حتا در شرایط سخت باعث فشردگی صفوف اعضای فعال در شرایط ویژه خواهدشد. با گذر از این شرایط رهبران می توانند درآینده برای اعضا توضیح دهند، درآن شرایط که نمی شد گزارش کار داد، سندیکا و رهبرانش چگونه عملکردی داشته اند.

حفظ اسناد مالی و تشکیلاتی و مهمتر از همه مسایل درون گروهی و اختلاف سلیقه ها و نظرات بدور از چشم اغیار، نه تنها وظیفه رهبران سندیکایی، بلکه هر عضو سندیکا و حتا دوستداران سندیکایی در شرایط سخت است. بخصوص اسناد مالی که هزینه کرد و زندگی مالی سندیکا را قوام و دوام

سندیکا یک نهاد دموکراتیک است که با رای اعضایش شکل گرفته و به آنان پاسخگوست. رهبران سندیکایی همانند هر عضو دیگر، زیرنظرهیات مدیره انجام وظیفه نموده و درقبال عملکردشان به هیات مدیره جوابگو هستند. حیطه فعالیت سندیکا همه ی مسایل صنفی و اجتماعی است، که با زندگی طبقه کارگر در ارتباط است. سندیکاها در مسایل کلان سیاسی نیز موضع گیری می کنند. مسایلی مانند جنگ، انقلاب و تجزیه بخشی ازکشور. مثل جدا شدن بحرین از ایران که سندیکای کارگران کفاش طی اطلاعیه ای این کار را محکوم کرد.

این تعاریف در زمانی قابل اجراست که سندیکا زندگی عادی اش را می گذراند. اما درشرایط فعلی که بیشتر فعالان کارگری مواجه با کارشکنی های عدیده توسط جریان ضد سندیکایی است، چه باید کرد؟ آیا می توان مجمع عمومی گذاشت و از افراد دعوت کرد تا درمورد نارسایی سندیکا و عملکردش نظر بدهند؟ آیا در شرایطی که رهبران سندیکایی با جزیی ترین موارد به زندان افتاده، زندگی سندیکا و هم زندگی شخصی فرد سندیکالیست و خانواده اش با مخاطره روبرو می شود، چگونه باید فعالیت کرد؟

فعالیت در شرایط سخت ویژگی های خود را داراست و اعضای رهبری سندیکا مجبورند بدلیل شرایط ویژه، مسوولیت کلیه کارهای سندیکایی را به تنهایی قبول کرده و به پیش ببرند. و حتا جور کمیسیون های سندیکایی را نیز متحمل شوند. اما سوال اینجاست، آیا باهمه این مشکلات رهبران سندیکایی مجازند از حیطه فعالیت سندیکایی پا را فراتر گذاشته و خارج از چارچوب اساسنامه فعالیت کنند؟ آیا رهبران سندیکایی مجازند کارسیاسی کنند؟ و به کارهای غیر ضرور، ازجمله دادن بیانیه و اعلامیه های شخصی که خود و سندیکا را به مخاطره اندازند، مبادرت

بیکار شده، مسوول بودند و از هر تلاشی برای شاغل کردن او دریغ نمی ورزیدند.

هیچکس حق دخالت در امور سندیکا را ندارد، بجز اعضا، فعالین و اعضای هیات مدیره. حتی سندیکاهای برادر، چنانچه کجروی و یا اشتباهی در عملکرد سندیکای دیگر مشاهده کردند، تنها می توانند بصورت رقیقانه، آنهم با قبول درخواست شان از طرف سندیکای مقابل، اقدام به نوشتن مطلب و دادن آن به سندیکای مربوطه کنند و یا در جلسه هیات مدیره سندیکای مورد نظر در صورت موافقت، حضور یافته به طرح پرسش ها و نظرات خود کنند. هیچ مقامی حق ندارد به اتحاد طبقه کارگر لطمه بزند، مسایل درون گروهی هرسندیکا مختص به خود و افشای آن توسط هر کس خیانت به سندیکا و جنبش سندیکایی است. دستداران سندیکا باید با مشورت های خود و هم آموزی باعث اتحاد هر چه بیشتر در صفوف سندیکاها باشند و اگر کمکی از دستشان بر نمی آید و یا نظرات شان مورد قبول سندیکای مربوطه قرار نگیرد، سکوت اختیار کنند، چه برسد به اینکه سعی در ایجاد دسته بندی و تقویت یک گروه علیه گروه دیگر در سندیکا کنند.

خانواده رهبران زندانی و بیکار شده می باید نهایت کمک و همبستگی را با سندیکا داشته باشند. در هر گره گاهی از رهبران سندیکایی مشورت بخواهند تا همه چیز با هماهنگی و خرد جمعی سندیکایی حل و فصل شود. هر گونه ارتباط با دولت، کارفرمایان و مخالفان سندیکایی توسط خانواده این رهبران، با صلاح دید و مشورت سندیکا، باید صورت گیرد. فرزند، برادر، همسر این رهبران نمی باید بدون صلاح دید سندیکا دست به کاری بزنند، چرا که امکان دارد این حرکت آنان به سندیکا و عضو زندانی و بیکار شده صدمه زده و زندگی سندیکا را به مخاطره اندازد.

رهبران ارشد سندیکایی در شرایط سخت نیز می باید از هر گونه تک روی و اعمال نظر شخصی بپرهیزند و مطابق اساسنامه رفتار کنند. هیچ رهبر سندیکایی نمی تواند ادعا کند که کارهای شخصی او به خودش مربوط است. در دهه پنجاه زمانی که کنگره آزاد مردان و آزاد زنان برگزار می شد، دبیر سندیکای کارگران کفاش به عضویت هیات رییس سنی روز افتتاح انتخاب می شود. از طرف هیات مدیره سندیکای کارگران کفاش به او تذکر داده می شود که این کار او سیاسی و به روند استقلال سندیکا لطمه خواهد زد. ولی پاسخ می شنوند که: «هرعضو سندیکا می تواند، خارج از سندیکا عضو هر سازمان و دسته سیاسی بشود». هیات مدیره سندیکا در جلسه دیگر به او تذکر می دهند که: «رفتار سیاسی او به نام همه اعضا و رهبری سندیکای کارگران کفاش نوشته خواهد شد، نه تنها فرد خودش». اما دبیر سندیکا با بی اعتنایی در جلسه افتتاح شرکت کرده و فردا در همه روزنامه ها عکس او در جایگاه هیات رییس سنی کنگره آزاد مردان و آزاد زنان چاپ می شود. هیات

می دهد. در شرایط سخت یکی از آفت هایی که دامن هر نهادهای را می گیرد، مسایل مالی است. آیا در شرایط سخت، سندیکاها مجازند از هر نهادهای کمک دریافت کنند؟ آیا بدلیل اینکه رهبران در شرایط سخت گزران کرده و یا زندانی هستند، باید این وجوه مالی به آنان اختصاص یابد؟ و خانواده این رهبران از شرایط ویژه بر خوردار شوند؟ کافی است نگاهی به گزارش مالی دبیر سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی، کارگر خوشنام یوسف ساروخانیان، در سال 1342 ببیند تا اهمیت مطلب را متوجه شویم.*

تجربه جنبش کارگری نشان می دهد که رهبران کارگری از فداکارترین، آگاه ترین و مبارزترین افراد جامعه بشمار می روند. درشرایطی که یوسف افتخاری از رهبران اتحادیه مخفی شرکت نفت ایران و انگلیس در سالهای 1304 تا 1320، در دهه پنجاه بدلیل پشت کردن به آرمانهای کارگری با رفاه کامل زندگی می کرد، علی امید این همرزم سالهای 1304 به بعد او، در بیمارستانی در تهران با گمنامی و فقر بدرود حیات گفت. علی امید از زمره کارگران با شعور کارگری بود که هرگز برای خود هیچ نخواست و زندگیش را برای طبقه کارگر و آرمان کارگریش فدا کرد. در همان سالهای فقر و نداری، اگر کمکی بدست علی امیدا می رسید، این رهبران آنرا به صندوق سندیکا رسانده و سندیکا با صلاح دید خود آنرا هزینه و یا کمک به کارگر نیازمندی می کرد. در همان روزها بسیار بودند از رهبران کارگری که داوطلبانه خود را محروم از کمکهایی سندیکایی کرده بودند، تا درس فداکاری به کارگران بدهند. این مناعت طبع باعث شده بود که نه تنها ساواک، بلکه کارفرمایان و هر آن کس که چشم دیدن سندیکا و رهبرانش را نداشت، جرات نزدیک شدن به این رهبران را نداشته باشد، تا چه رسد به اینکه به آنان پیشنهادات مالی بدهد. خانواده های این عزیزان نیز با درک شرایط ویژه همسرانشان به تکیه گاه و حتی در بسیاری مواقع همرزم، و فرزندانیشان یاری دهنده اشان می گردیدند. در هر شرایطی، هر کمکی که به سندیکا می شود، باید به صندوق سندیکا واریز شده به یاری دهنده قبض تحویل گردد. سندیکاهم بسته به نیاز و برنامه اش کمک ها را هزینه می کند. سندیکا بجز دریافت حق عضویت و کمک های کارگران عضوش تنها می توانستند از سندیکاهای برادر درخواست کمک داشته باشند.

بسیار اتفاق می افتاد که کارگران سندیکایی برای مقابله با بیکاری اعمال شده توسط کارفرمایان علیه رهبران سندیکایی، تصمیم می گرفتند که در هفته یک روز کار خود را به این رهبران اختصاص داده و یا آنروز کاری خود را به رهبر سندیکایی واگذار کرده، و او به جای کارگر شاغل کار کرده، مزد آن روز را برای خود برمی داشت. در اواسط دهه چهل کارگران سندیکای کفاش با در اختیار قراردادن یکروز در هفته کار خود به حسین سمنانی و جواد مهران گهر، این امکان را به این رهبران می دادند که با کار کردن بجای آنان، زندگی خود را تا حدودی اداره کنند. هیچ رهبر سندیکایی حق بیکار ماندن را نداشت. سندیکا و اعضایش در قبال عضو سندیکایی

بدلیل استنشاق بوی چسب و کار در محیط های غیر بهداشتی جسمش فرسوده گشته بود، ولی به کارگران یاد آور می شد که «چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است»

مبارزات عدالت خواهانه سندیکا در گرو کار جمعی و خرد جمعی نهفته است. شهرت همچون حبابی است که به فعالان و سندیکا و روند مبارزات اجتماعی کشور صدمه خواهد زد. رهبران کارگری بر خلاف همتایان کارفرمایانشان بدور از هر گونه شهرت طلبی و جنجال، نمایانگر آرمانخواهی کارگری و فداکاریند. رهبران سندیکایی به خود تعلق ندارند، بلکه رفتار و حرکت هایشان بخش جدایی ناپذیر از سندیکاست.

*گزارش بیان مالی 1342 سندیکای کارگران شرکت واحد، در سایت سندیکای کارگران اتوبوسرانی شرکت واحد درج گردیده است

مدیره سندیکای کارگران کفاش با تقاضای برگزاری مجمع عمومی فوق العاده و با گزارش به اعضای حضور یافته در مجمع، این حرکت زشت دبیر سندیکا را تقبیح کرده، از اعضای حاضر می خواهد که دبیر سندیکا را از دبیری خلع کنند تا وجه و شخصیت رهبران مستقل و سخت کوش کارگران کفاش خدشه دار نگردد. این تجربیات حاصل زحمات پدران پیشکسوت مان است که بارنج و تحمل در بدری، به یادگار برایمان گذاشته اند. حسن یونسی دبیرسالهای اولیه انقلاب سندیکای کارگران کفاش در سال گذشته در گمنامی مرد، اما کارنامه درخشان از خود به جای گذاشت. او بر خلاف مدعیان امروزی فعالان کارگری تن به مهاجرت نداد و روی چارپایه کفاشی اش در لاله زار تا آخر عمر نشست و تبلیغ سندیکایی می کرد. با آنکه سالیان دراز

سندیکا سنگر طبقه کارگر

اوس محمد - جوشکار پروژه ای

منشور حقوق سندیکایی جهانی

کارگران حق دارند سندیکاهای کارگری تشکیل دهند، به سندیکای موجود بپیوندند بی آنکه اجازه یا نظارت مقامات دولتی یا کارفرمایان لازم باشد، در هر فعالیت سندیکایی شرکت کنند.

کارگران حق دارند در محل کار خود و یا در هر جای دیگر گرد هم آیند، به مذاکره بنشینند و عقاید خود را در خصوص تمام مسائلی که به آنان مربوط است آزادانه ابراز دارند.

کارگران حق دارند نشریات مورد نظر خود را بخوانند، نشریه های سندیکایی و کارگری را پخش کنند و به تبلیغ برای سندیکاهای بپردازند.

کارگران حق دارند در دفاع از منافع خود، در هر عمل مشترک اعم از اعتصاب، تظاهرات یا دیگر فعالیتهای سندیکایی شرکت کنند.

انگیزه نوشتن جزوه حاضر پاسخی هرچند ناقص به یک ضرورت عملی و لزوم تشکیل سندیکاهای واقعی کارگران می باشد. این امر بر همه کارگران آگاه، و مبارزین هواه خوا طبقه کارگر آشکار است هرچند حرکتی موثری در راه ایجاد این سازمانها انجام شده است. ولی همواره این سؤال که یک سندیکا در عمل چگونه تاسیس می شود و چه زمینه هایی از فعالیت را در بر می گیرد مطرح بوده است. تحولات عمیق اقتصادی اروپا در قرن های اخیر موجب تعیین روابط تولید و بسط و توسعه مناسبات جدیدی شد که شرایط کار و زندگی قسمت اعظم تولیدکنندگان را دگرگون ساخت. توده ی کشاورزان و پیشه وران از ابزار و وسایل تولید خود محروم، و برای امرار معاش به دایره کار، مزدوری کشانده شدند..

یعنی ناچار شدند از طریق فروش نیروی کار خود به صاحبان وسایل تولید یا سرمایه داران زندگی و معاش زن و فرزندانشان را تامین کنند. شرایط کار مزدوری بطور کلی با شرایط کارپیشه وری تفاوت داشت. روابط خاص استاد و شاگرد در کارگاههای کوچک جای خود را به روابط کارگر و کارفرما داد تا استثماری کارگران شدیدتر و جنگ طبقاتی شکل دیگری بخود بگیرد. مسئله تاسیس سندیکاهای واقعی در شرایط امروزی جامعه ما بطرز حادی مطرح است. زیرا طی سالهای طولانی کارگران ما در زیر یوغ استبداد شاهی از هر گونه امکان برای تجمع در

تشکیل می دهند. در هیچ کجای دنیا تشکلی صورت نمی گیرد مگر به حکم آگاهی. وقتی ما آگاهی طبقاتی نداشته باشیم چگونه می توانیم با امواج سهمگینی که سرمایه داری در اقیانوس بیکران طبقه کارگر برآه انداخته به مبارزه برخیزیم. آن قایقران پیر را در نظر بیاورید که وقتی دریا به تلاطم می افتد و حتی اگر موتور قایق از کار بیافتد، با پارو و با ملایمت ولی پر قدرت قایق خویش را به ساحل می رساند. در راه حق طلبی عجله موجب پیشرفت کار نیست چاره کار متانت و صبوری و آگاهی و بردباری و اعتماد به نفس است. آگاهی سطحی هم بدرود ما نمی خورد چرا که، چون برگ پائیزی زود از شاخه جدا می شود.

قصد سندیکا پرورش کارگر با فرهنگ است، بدین جهت باید از آموزش او غافل نماند، و تا آنجا که ممکن است باید سعی کرد که آموزش متوسط را تمام کند، فردی با انضباط بار بیاید و از حیث سیاسی رشد کند، و به عضو فداکار طبقه اش بدل گردد. باید احساس وظیفه و مفهوم افتخار را در او پرورش داد. به بیان دیگر او باید از لیاقت و شایستگی خود و طبقه خود، آگاهی یابد و از آن احساس غرور و سربلندی کند. او باید از وظایف خویش نسبت به طبقه اش وقوف یابد و بیاموزد که چگونه از دوستش فرمان ببرد و یا به او فرمان دهد. او باید بداند که چگونه در موقعیتهای مختلف زندگی و در جریان مبارزه کارگری، مهربان، جدی، آشتی ناپذیر و چیره دست باشد. فن سازماندهی را فراگیرد، فردی لایق، با عزم، خوشتن دار و جدی باشد، تا بتواند روی دیگران تاثیر مثبت گذارد. مذاهب و فلسفه های گوناگون افراد بشر را برابر و برادر اعلام داشته اند ولی تحقق این برادری و برابری اغلب از طرف دارندگان ثروت و قدرت نادیده انگاشته می شود. کارگر و کارفرما هر دو مخلوقات خدا از لحاظ شکل ساختمان با هم مساویند. لیکن شرایط مادی زندگی به نحویست که یکی را در صحنه زندگی حاکم بر سر نوشت دیگری می سازد. در شرایطی که یکی بدلیل سیستم اجتماعی ناچار است نه تنها نیروی کار خود را به ارزانی به دیگری بفروشد بلکه در عین حال اراده و خواست کارفرما هر آن می تواند وی را امرار معاش محروم ساخته و خود و فرزندانش را با گرسنگی روبرو سازد، دم زدن از برادری، کارگر و کارفرما پوچ و بی معنی است. رسیدن به خواستهای کارگری تحقق پیدا نمی کند مگر با چاره جویی و چاره سازی از طریق ایجاد تناسب قوا میان این دو نیروی نابرابر.

بیشتر از دویست سال در اروپا و آمریکا و یکصد سال در ایران سندیکاهای کارگری توانسته اند سنگری برای دفاع از حقوق کارگران باشند. قانون کار، بیمه تامین اجتماعی، هشت ساعت کار، تعطیلی روز جمعه، طبقه بندی مشاغل، داشتن لباس کار، سرویس رفت و آمد، ناهار خوری و... از دستاوردهای سندیکاهای کارگری طی یکصد سال مبارزه بوده است.

با اتحاد و یکپارچگی و متشکل شدن در سندیکاهای کارگری از حقوق کارگری خود دفاع کنیم.

و بدانیم چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است.

سازمانهای کارگری و دفاع از حقوق خود محروم بوده اند. در دوران استبداد، سندیکاهای فرمایشی هیچگاه بدست خود کارگران و یا ناشی از نیازها و یا مسائل آنها تشکیل نمی شد، سندیکاها مثل قوطیهای از پیش ساخته شده ای بودند که بدستور مقامات دولتی و حکومتی در هر کارخانه یا اداره نصب می شدند و در مجموع اگر نقش یا رابطه ای با کارگران داشتند همان رابطه تحمیل بر کارگران بود، نه رابطه دفاع از حقوق آنان. به همین جهت امروز نیاز طبقه کارگر داشتن سندیکا هر روز بیشتر احساس می شود چرا که کارگران با مسائل بسیار زیادی روبرو هستند که به شرایط روزمره زندگی و دور نمای آینده آنها مربوط می شود.

تاسیس عملی یک سندیکا در یک کارخانه معمولاً به دو صورت انجام می گیرد. یا در کارخانه ای مسئله حادی بوجود می آید مثلاً عده ای از کار بیکار می شوند، کارفرما کارخانه را رها می کند و میرود و یا ماهها حقوق کارگران پرداخت نمی شود که کارگران بطور خود به خودی به مبارزه بر می خیزند. در جریان این مبارزه و از دل سلولهای کوچک سازمانی که برای حل این مشکل بوجود می آیند. اولین جوانه ی یک سازمان سندیکایی رشد کرده و سپس به یک سازمان دائمی با یک اساسنامه و ارگانهای مشخص شروع به فعالیت می کند. و یا در یک کارخانه، با وجود مسائل و نارضایتی های بسیاری، هنوز خواسته ها و مطالبات مشخصی از طرف مجموع کارگران بیان نشده است. ولی در میان کارگران عناصر آگاه تری حضور دارند که قادرند این نارضایتی ها و کمبودها را در شرایط کاری و یا میزان دستمزدها و غیره بصورت روشنتر ببینند و آنها را بیان کرده و راه حل های مناسب را برای تحقق این خواسته ها پیشنهاد کنند. در این صورت این عناصر آگاه وظیفه دارند در درون کارخانه یا کارگاه یک فعالیت وسیع روشنگری را آغاز کنند. رکن اساسی این روشنگری باید تشریح مسائل واقعی و ملموس مشکلات کارگران باشد، که در درون کارخانه وجود دارند مانند کمی دستمزد نسبت به افزایش هزینه زندگی، مسئله سرویس رفت و آمد کارگران، فقدان وسایل بهداشتی چون حمام، مستراح در محیط کار، نداشتن لباس کار، مسئله بیمه اجتماعی و حوادث، مسئله مسکن و اضافه کاریهای تحمیلی، قراردادهای موقت، نبود طبقه بندی مشاغل. وقتی این کمبودها و نارضایتی ها که همه کارگران بطور ملموس احساس می کنند بصورت روشن و در قالب خواسته ها و مطالبات مشخص بیان شد. مسئله رسیدن به خواسته ها و یافتن وسایل مناسب برای رسیدن به آنها مطرح می شود. آنگاه عناصر آگاه باید ضرورت تشکیل سندیکا یعنی یک سازمان متشکل را که بطور دائمی و منظم برای دفاع از حقوق تمام کارگران مبارزه کند را روشن نمایند و برای آن تبلیغ کنند. روشنگری باید به روی مسائل واقعی کارگران انجام گیرد، یعنی باید به زبان خود کارگران و از مشکلات آنان ناشی شود، در این هنگام عناصر آگاه تر دست به فراهم کردن مقدمات تشکیل سندیکا می زنند. اساسنامه و خط مشی تعیین کرده، به عضوگیری می پردازند و سپس زمانی که تعداد کارگران خواستار سندیکا به حد نصاب رسید مجمع عمومی سندیکا را

خبرنامه فلز کار

شماره 39

* نامه اعتراضی بیش از 300 کارگر قراردادی در پروژه های نفت و گاز و پتروشیمی به رییس مجلس

«کارگران پروژه ای روزانه بیش از 12 ساعت در شرایط طاقت فرسا کار می کنند، اما از بهداشت، تغذیه و حقوق بسیار پایینی برخوردارند. کارگران پروژه ای در بیابانهای مناطق عمدتاً گرمسیری فاقد امکانات دور از خانواده و زندگی شهری، برغم کار سخت و طاقت فرسا، غذا و مسکن مناسبی ندارند و در زیر کار سخت، به سرعت فرسوده می شوند. این کارگران با روزانه 12 ساعت کار اجباری، در معرض اجحاف کارفرمایانی قرار دارند که از وجود بیکاری و نیاز آنان استفاده کرده و اغلب ماهها حقوق آنان را به تعویق می اندازند. ما خواهان رعایت قوانین سختی کار و بازنشستگی پس از بیست سال کار طبق قوانین هستیم.»

*** پیام فلز کار :** توطئه های گوناگون از تحریم توسط کشورهای امپریالیستی تا واردات توسط سرمایه داری تجاری و همچنین برداشت از حوزه های نفت و گاز مشترک بین ایران و کشورهای همسایه و نقش مخرب دلالت مالی در عرصه اقتصاد و سیاست نه تنها اقتصاد کشور آزادی و عدالت اجتماعی را با خطر رو به رو ساخته است، بلکه دست سرمایه داری جهانی را برای منزوی ساختن ایران در عرصه بین المللی و سیاسی و اقتصادی باز گذاشته است. در حالی تحریم های گوناگون علیه مردم ایران در حال اجراست که در بخش مواد غذایی و بهداشت این زحمتکشانی که بیشترین آسیب را خواهند دید. سازماندهی برداشت از حوزه های نفت و گاز مشترک بین ایران و عربستان، قطر، عراق و ثروتمند شدن این کشورها از برداشت حوزه های نفت و گاز در حقیقت سرمایه زحمتکشان ایران به غارت برده می شود تا در آینده فرزندان زحمتکشان از این سرمایه ملی محروم باشند.

*** حسین کمالی وزیر سابق کار:** اکثر کارگران کشور فقیرانه زندگی می کنند و کمبود فرصت های شغلی برای جوانان موجب شده است تا بسیاری از آنان برغم آمادگی برای کار در خانواده های خود سر بار حقوق اندک خانواده باشند. افزایش تعداد معتادان، میزان طلاق، کاهش ازدواج و افزایش تعداد زندانیان بی ارتباط با بیکاری، فقر و ناداری نیست. در صورتی که نرخ خط فقر در کشور حدود یک میلیون تومان دستمزد در نظر بگیریم به این نتیجه می رسیم که بیش از 50 درصد از کارگران زیر خط فقر گذران معیشت می کنند.

*** اخیراً اتحادیه اروپا در قطننامه ای بانک مرکزی ایران را تحریم کرد.** در این حال برخی از تولید کنندگان، سرمایه هایشان را به خارج از کشور برده اند که آثار ناگواری روی اشتغال و تولید در داخل دارد. امیدواریم سیاست گذاران و مسئولین کشور درس های جدی تری از تحریم اخیر بگیرند. چرا که سیاست های درهای باز به نفع گروهی کمتر از یک درصد جامعه است و برنده چنین سیاست های باز در اقتصاد کشور عموماً دلالتان هستند که باید از این مسئله درس گرفته و سیاست های آتی کشور را اصلاح کند.

*** رییس کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی خواستار همسان سازی حقوق بازنشستگان شد و گفت:** 80 درصد بازنشستگان حداقل حقوق و دستمزد را دریافت می کنند که با این مستمری توانایی اداره زندگی خود را ندارند. در حال حاضر بیش از 32 میلیون نفر بیمه شده تحت پوشش تامین اجتماعی اند و از خدمات آن بهره مند می شوند. سرانه درمان بازنشستگان که 2 هزار 300 تومان است به آنها داده نمی شود و همچنین عدم اجرای قانون باعث شده که به سمت اجرایی شدن بیمه تکمیلی برای بازنشستگان حرکت کنیم. فرد بازنشسته با ماهی 400 هزار تومان حقوق پاسخگوی تامین حداقل هزینه های زندگی خود نیست، بنابراین اجرای قانون همسان سازی برای رفع مشکلات این قشر از افراد جامعه بسیار ضروری است. و خواستار در نظر گرفتن حق اولاد و حق همسر برای بازنشستگان شد.

*** پیام فلزکار:** با خبر شدیم شیث امانی و صدیق کریمی اعضای اتحادیه آزاد کارگران به 2/5 سال حبس محکوم شده اند. فشار بر فعالین کارگری در حالی صورت می گیرد که نابودی قانون کار در دستور روز سرمایه داری انگل تجاری قرار گرفته است. با توجه به تبلیغات و حمایت گسترده دولت و مسئولین کشوری از تظاهرات زحمتکشان تسخیر وال استریت و محکوم کردن حمله و فشار بر این زحمتکشان، رویه دوگانه مسئولین با فعالین کارگری ایران قابل تامل است.

*** مدیرعامل سایپا دیزل در اظهاراتی بابیان اینکه کامیونی که سال گذشته به عنوان محصول ملی رونمایی شد یک محصول کاملاً چینی است.**

- پیام فلزکار: متأسفانه وارونه گویی به رویه ای عادی در میان مسوولین تبدیل شده است.

*** پیام فلزکار :** ابراهیم مددی نایب رییس سندیکای کارگران اتوبوسرانی شرکت واحد پس از قریب دو سال بطور موقت آزاد گردید. ما ضمن تبریک به خانواده و سندیکای کارگران شرکت واحد امیدوار بودیم که این مرخصی دایمی گردد. اما با تمام شدن مدت مرخصی ابراهیم مددی نایب رییس سندیکای کارگران شرکت واحد، دوباره او به زندان بازگشت. در همین روز رضا شهابی به دلیل مشکلات جسمی و بیماری های تشدید شده در زندان به بیمارستانی در تهران منتقل شد.

*** همکاری وزارتخانه های بازرگانی، راه، گمرک، بانک مرکزی و وزارت اقتصاد با گروه آریا در اختلاس 3000 میلیاردی**

گروه آریا عامل وزارت بازرگانی برای واردات بود. وزارت بازرگانی مجوزهایی به شرکتهای زیر مجموعه این گروه اختلاسگر برای واردات اقلام یارانه ای مانند گوشت داده و توصیه نامه ای نیز ازطرف این وزارتخانه به بانک ملی برای بالابردن سقف وامهای بانک آریا ارائه شده بود. برخی پروژه های راه سازی بدون رعایت ضابطه به شرکت های زیرمجموعه این گروه واگذار شده بود. اعطای غیرقانونی احداث راه آهن شیراز، جهرم، بندرعباس ازطرف وزارت راه و ترابری. واگذاری غیرقانونی کارخانه های دولتی مانند کارخانه ملی فولاد، ماشین سازی لرستان، تراورس فنی مهندسی ابنیه راه آهن ازطرف سازمان خصوصی سازی به گروه آریا. بررسی پرونده های مالیاتی گروه آریا از دورزدن های قانون توسط این گروه نشان دارد. از طریق گمرکات امکاناتی که ستاد فولاد کشور در اختیار این گروه قرارداد از دیگر همکاری های مراکز دولتی باین گروه است. آرمان 90/9/13

پیام فلزکار: نتیجه این گزارش این است که سرمایه داری انگل تجاری در دولت حضور جدی داشته و دارد. واردات هنوز ادامه دارد، خصوصی سازی برغم شکست طراحانش برای بهره وری بیشتر، جز نابودی زیر ساخت های اقتصاد همچون فولاد و وابسته تر شدن اقتصاد به کشور های خارجی ثمری نداشته است. حمله به یکصدسال دستاوردهای کارگری چون قانون کار و نابودی تامین اجتماعی و بیکاری روز افزون در جامعه و افزایش ناهنجاری های جامعه برای بی ثباتی روز افزون حاصل تلاش سرمایه داری انگل تجاری و به غایت خیانت کار به منافع ملی است.

*** پیام فلزکار:** با خبر شدیم رضا شهابی کارگر سندیکایی شرکت واحد به دلیل اعتراض به آنچه وی بلاتکلیفی خود خوانده است دست به اعتصاب غذاهای مکرر زده و این باعث مشکلات جسمی برایش گردیده است. متأسفانه برخورد خارج از قانون با کارگران سندیکالیست و فعالین کارگری به امری عادی تبدیل گردیده است. کارگران فلزکار مکانیک ضمن محکوم نمودن برخوردهای غیر قانونی با همه کارگران، خواستار آزادی همه فعالین کارگری منجمله رضا شهابی می باشد.

* پشت پرده واردات میوه

مدیر کل امور استانهای وزارت جهاد کشاورزی: وزارت معدن و تجارت و گمرک مسوول این اتفاق هستند. عملکرد این دو دستگاه باعث ضربه زدن به تولیدات داخل و کشاورزان زحمتکش می شود. اگر واردات بی رویه میوه صورت گرفته ناشی از تبانی این دو دستگاه است. اسنادی در اختیار داریم مبنی بر مجوز واردات میوه از سوی وزارت معدن و تجارت و گمرک است. مسوولان وزارت صنعت معدن و تجارت با هماهنگی گمرک اقدام به صدور مجوز واردات میوه در هنگام برداشت مرکبات، کرده اند.

* در پی اظهارات سرپرست سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور مبنی بر ابلاغ دستور العمل نظام استاد شاگردی در هفته جاری، علیرضا حیدری تصریح کرد: اجرای سیاست هایی از قبیل نظام استاد شاگردی موجب خواهد شد که بیش از 30 درصد کارگران فعال در بخش صنوف به بهانه مهارت آموزی بصورت کارآموز در واحدهای تولیدی کشور فعالیت کنند. سیاست هایی از قبیل حذف شرایط سن کار آموز در پیش نویس قانون کار و یا نظام استاد شاگردی، در راستای حمایت از نظام سرمایه داری است. دولت قصد دارد با اجرای سیاست هایی از این قبیل حقوق کارگران را به یک سوم کاهش دهد.

* **پیام فلزکار:** عده ای نا شناس با پتک نقش بر جسته بهرام دوم را تخریب کردند. این نقش برجسته عمری 2500 ساله دارد. حمله به میراث فرهنگی در دهه های اخیر با مسایل اقتصادی رابطه مستقیم دارد. هر چند که رشد تفکر طالبانی در چند ساله اخیر سبب بی اعتنایی مسوولین به تاریخ و فرهنگ گذشتگان گردیده است و نمونه بارز آنرا در ویرانی تخت جمشید شاهدیم، ولی این تهاجم عرصه هایی همچون تخریب قانون کار را نیز در بر گرفته است. این تهاجم را باید جدی گرفت.

* یک کارگر نساجی در ساری که بیش از یکسال حقوق دریافت نکرده بود، به هنگام سخنرانی رییس دولت در این شهر پس از انتقاد از شرایط کارگران و معضل بیکاری زحمتکشان کفشیهای خود را در اعتراض به نابسامانی های اجتماعی بسوی آقای احمدی نژاد پرتاب کرد. او توسط حفاظت دستگیر شد.

* بی توجهی بخش خصوصی به ایمنی کار برای پنجمین بار در یک کارخانه حادثه آفرید

* بی توجهی بخش خصوصی به ایمنی کار برای پنجمین بار در یک کارخانه حادثه آفرید. انفجار کوره ذوب فلز در فولاد غدیر یزد 13 کارگر را به کام مرگ کشید. در این حادثه 16 کارگر زخمی شدند که حال 11 نفر از آنان وخیم است. مصرف مهمات اسقاطی عامل انفجار اعلام شده است. حوادث کار در ایران 20 درصد بیشتر از کشورهای توسعه یافته است. متاسفانه فاجعه یزد در انتظار کارگران تمام کشور است.

باز هم سودآوری بیشتر به قیمت جان کارگران تمام شد. متاسفانه در وزارت کارگوشی برای شنیدن ناله های خانواده های مصیبت دیده وجود ندارد. برای سرمایه داری انسانها به مثابه کالاهایی هستند که تا زمان سوددهی قابل ارزشند و دیگر هیچ. خواهران یزدی! برادران کارگر شما و خانواده هایشان هرگز شما را فراموش نخواهند کرد و در این مصیبت خود را شریک غم شما می دانند. **کارگران فلز کار مکانیک**

* رحیمی معاون رییس جمهور: امروز در ایران گرسنه وجود ندارد.

- **پیام فلزکار:** بیکاری روزافزون کارگران وجوانان جویای کار، عدم پرداخت ماهها وگاه سالهاحقوق کارگران نساجی وشرکت مخابراتی راه دور شیراز فولادلوله سازی اهواز، سرگردانی معلمان حق التدریسی، حقوق 330 هزار تومانی وپایین ترکارگران در قاموس ایشان گرسنگی نیست.

* عضو کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات با اشاره به کسری بودجه دولت، مدعی شد: دولت احتمالاً از گرانی ارز 15 هزار میلیارد تومان سود کرده است و قصد دارد کسری بودجه خود را از طریق سود ناشی از گرانی سکه و ارز تأمین کند. آرمان 90/9/28

* بر اثر حادثه خارج شدن آب کولینگ (خنک کننده) از ژنراتورهای پالایشگاه اصفهان، برق پالایشگاه قطع و شات دان (خاموشی) اضطراری اعلام شد. در حال حاضر برق پالایشگاه قطع و تمام لاین های پالایشگاه از کار افتاده است. این حادثه یک مجروح داشته که بر اثر رانش شدید آب کولینگ پرتاب و دچار جراحت شده و سریعاً به بیمارستان منتقل شد.

پیام فلزکار: مثل اینکه تا در کشور حادثه ای همانند انفجار مراکز هسته ای ژاپن پیش نیاید مسئولین وزارت کار نمی خواهند به خود زحمت داده بخش ایمنی وزارت خانه را فعال کنند.

* دبیر ستاد هدفمندی یارانه ها: یارانه ها رفاه 80 درصد مردم را افزایش داده است.

* **پیام فلزکار:** ایشان مثل اینکه در ایران زندگی نمی کنند. آقایان از طلا گشتن پشیمان گشته ایم لطف فرموده ما را مس کنید.

* غلامرضا توکلی عضو هیات مدیره کانون عالی انجمن های صنفی: امنیت شغلی کارگران با نهادهای کردن قراردادهای موقت از بین می رود. تعریف نا مشخص در مورد کار دایم، کار موقت و کار معین و نهادهای کردن قراردادهای موقت در کار دایم موجب از بین رفتن امنیت شغلی کارگران می شود.

حمید حاج اسماعیلی: اصلاح قانون بیمه بیکاری توسط مجلس باعث خواهد شد که دولت در هنگام اجرای قانون بیمه بیکاری و ادغام صندوق بیمه بیکاری تأمین اجتماعی، تأمین اجتماعی را بطور کامل تحت اختیار خود بگیرد.

* مجتمع کشت و صنعت روغن نباتی ماهیدشت کرمانشاه (نازگل) با لغو قرارداد از طرف کارفرما 500 کارگر را بیکار کرد. روند بیکاری ها از اوایل آذر ماه شروع شده بود. یکی از کارگران که به همراه دیگر کارگران در اداره کار کرمانشاه تجمع کرده بود چنین گفت: بیکار شدیم. سفره مان خالی شد. نمی دانیم با دست خالی به فکر اجاره های آخر ماه باشیم یا دفترچه های قسط.

* عدم رعایت ایمنی، ساختمان چهار طبقه ای در خیابان بهار تبریز فرو ریخت و چهار کارگر در زیر آوار کشته شدند. تا سودجویی سرمایه داران حدی نداشته باشد و اهمال وزارت کار همچنان جان کارگران را بگیرد. کارگران فلزکار مکانیک سوگوار این حادثه است و به خانواده های این عزیزان تسلیت می گوید.

به مناسبت شب یلدا

داود عرفانی

سفره و وقت خوردن میوه یادتان می افتد که این همه انسان هموطن جشن ندارند؟ آقایان وزیرها! اگر شما 2 ماه حقوق خانه نبرید شما را به خانه راه می دهند؟؟ پس چطور توقع دارید که معلم و کارگر بعد از ماهها بی حقوقی زندگی عادی داشته باشند. آقای رحیمی معاون رییس جمهور می گوید: در ایران گرسنه نداریم. آقای معاون مگر گرسنگی شاخ و دم دارد، پس این همه حقوق نگرفته ها گرسنه نیستند؟ حقوق 330 هزار تومان ماهیانه گرسنگی نیست؟ شما با این 330 هزار تومان یک هفته سر کن، ما کارگر ها یکماه. من از ایشان می پرسم حقوق یک ماه شما چند ده برابر حقوق یک ماه یک کارگراست؟ عزیزان کارگر! از قدیم گفته اند سواره از پیاده خبر ندارد. پس بیایید با هم دست برادری بدهیم، سندیکاهای کارگری را برای دفاع از حقوق انسانی و کارگری مان راه بیندازیم، تا شب یلداهای دیگر ما هم مثل آن 2% شب خوش و خوب برای خانواده مان داشته باشیم.

تنها در آمریکا 1% سرمایه دار به 99% کارگر زور نمی گوید. در همه جهان از جمله در ایران هم همین حکایت است. به امید روزهای خوب برای خانواده هایمان.

امروز چهارشنبه 90/9/30 به زبان آذری می گویند: شب چله، به فارسی می گویند: شب یلدا. این شب خوبی است همه جشن می گیرند و بطور خلاصه آخر سال میلادی هم حساب می شود. آیا واقعا این هفتاد و پنج میلیون ایرانی این شب را خوش می گذرانند؟ یا این که 2% الی 5% برایشان خوب و خوش است؟ بیکارها، کارگران زندانی، خبرنگاران و نویسندگان بیکار شده، آیا اینها و خانواده شان هم امشب جشن می گیرند و خوشحال هستند؟ مستاجر ها که کرایه خانه ندارند بدهند، بیکارها که به پول نان شب محتاج هستند هم امشب خوشحال هستند؟ مسوولیت این وضع با کیست؟ و به چه کسی مربوط است؟ باید گفت که مسوولین از وضع مردم یا خبر دارند؟ و یا ندارند؟ اگر خبر ندارند که باید بر کنارشان کرد، و اگر خبر دارند، مسوول این اوضاع آنها هستند و باید از کار بر کنارشان کرد. می پرسید چرا باید بر کنارشان کرد؟؟ به خاطر اینکه بسیاری از کارگران نساجی ها، فولاد، مخابرات راه دور شیراز، از بیست ماه تا 6 ماه حقوق و مزایا طلبکارند و هیچ نگرفته اند. معلمان شرکتی آموزش و پرورش و حق التدریسی ها شش ماه است حقوق نگرفته اند. هفت هزار معلم شرکتی آموزش و پرورش 8 ماه است بازنشسته شدند، ولی حقوق نگرفته اند. سیصد کارگر نوب آهن که بازنشسته شدند، آنها هم حقوق نگرفته اند. آقایان وزیرهای مسوول! که امشب را با خانواده جشن گرفتید، سر

در مهر ، گتِ مهتریش از کف داد
بر جای نمائد سستم و استبداد

ضحاک که نفرین جهان بر او باد
نون نیز سرود کاوه را می شنویم

بهر روز (به مناسبت جنبش 99%)

علی امید

الگوی کوشندگان کارگری ایران

جنوب و نمایندگان شرکت انگلیسی نفت برای تعیین حداقل دستمزد، کارگران نه تنها با لغو وعده شرکت انگلیسی نفت در رابطه با پرداخت دستمزد روزهای جمعه مواجه شدند، بلکه دستگیری رهبران کارگری از جمله علی امید و رحیم همداد که به مذاکره دعوت شده بودند، خشم طبقه کارگر و اعتصاب کارگران بندر معشور، آغاچاری، آبادان و اهواز را بدنبال داشت، و اعتصاب عمومی در شرکت انگلیسی نفت اعلام شد. این اعتصاب بزرگترین اعتصاب در خاورمیانه شمرده می شد. 65 هزار نفر در این اعتصاب شرکت کردند که این شامل 50 هزار کارگر و کارمند دفتری شرکت نفت، 200 تکنسین هندی در پالایشگاه آبادان، هزاران آتش نشان، راننده کامیون، رفته‌گر، کارگزار آهن، کارگران نساجی، دانش آموزان دبیرستان ها، صدها مغازه دار، آشپز، راننده و مستخدمان خانواده های اروپایی نیز می شد.

در 1325/4/23 ساعت 6 بامداد اعتصاب کارگران آبادان تحت رهبری شورای متحده کارگران و زحمتکشان جنوب که در رأس آن علی امید قرار داشت، آغاز گردید. ترات سرکنسول انگلستان در جنوب اقرار کرد که «اعتصاب بطرز شگفت آوری خوب سازمان یافته و منظم بود. هنگامی که کارگران دست از کار کشیدند، نزدیک به هزارتن از آنان به توزیع جزوه هایی پرداختند که علل اعتصاب را به اختصار توضیح می داد: دستمزد روزهای جمعه، گماردن نماینده کارگران در کارگاه ها برای حل و فصل اختلافات میان کارگران و شرکت نفت انگلیسی، افزایش سالانه دستمزدها، وسایل نقلیه برای کارگرانی که ناگزیرند از خانه هایشان تامل کارچندین کیلومتر پیاده روی کنند.»

در شب 23 تیر 1325 حمله خونین به کارگران آغاز شد. 200 نفر از عشایر عرب به همراه سربازان با هفت تیر و تفنگ به گاردهای محافظ شورای متحده کارگران و زحمتکشان که مسلح به چوبدستی بودند، حمله ور شدند. در این حمله 50 نفر کشته و 65 نفر نیز زخمی شدند. پس از اعتصاب علی امید برای همیشه از خوزستان به تهران تبعید شد. علی امید هر چند به تهران تبعید شد اما تا آخرین روز حیاتش از مبارزه برای کسب حقوق زحمتکشان دست نکشید، و حتا پس از کودتای 28 مرداد سال 32 به زندان رفت.

در تاریخ 1352/10/3 طبقه ایران یکی از فرزندان فداکار خود را از دست داد. علی امید از اولین اعضای اتحادیه مخفی کارگران نفت جنوب در سال 1304 بود. با تلاش های بی وقفه او و همکارانش، و با آگاهی بخشی به زحمتکشان صنعت نفت، اتحادیه مخفی کارگران نفت جنوب در میان کارگران گسترش یافت. در نیمه شب آبان 1306 در گردهمایی کارگران نفت که با حضور 200 نماینده کارگران تشکیل شد، اتحادیه تصمیم گرفت: «سازمان خود را گسترش دهد، کلوبهای کارگری و تعاونی تشکیل داده، علیه جرمه ها و کتک زدن ها و دشنام دادن ها و علیه سیاست تبعیض در شرکت انگلیسی نفت در میان ملیت ها اقدام کنند.» در مرامنامه اتحادیه کارگران نفت از جمله می خوانیم: «وادر نمودن شرکت به پرداخت بیمه بیکار، پیری، حوادث و غیره. برسمیت شناختن حق اعتصاب و اجتماعات کارگران. مقابله با تنبیه بدنی کارگران. تلاش برای تاسیس باشگاههای ورزشی» دیده می شود.

در 1308/2/13 اعتصاب کارگران تصفیه خانه آبادان شروع شد که در آن 14 هزار کارگر شرکت داشتند. این اعتصاب از ساعت 8 صبح به دعوت اتحادیه مخفی کارگران نفت به رهبری علی امید، رحیم همداد، رمضان کاوه، حسن علی ثابت، یوسف افتخاری، و قایب سازماندهی شده بود، که با پیوستن کارگران بیکار شکلی دیگر یافت. خواسته های اعتصابیون بالا بردن دستمزدها تا سطح 15 درصد، برسمیت شناختن اتحادیه کارگران و جشن اول ماه مه، دخالت دادن کارگران و نمایندگانشان در امور اخراج کارگران و استخدام آنان، هفت ساعت کار برای جوانان کمتر از 18 سال بود. فردای روز اعتصاب با دخالت نیروهای نظامی انگلیس سرکوب اعتصاب کارگران پالایشگاه آبادان آغاز شد. پنج هزار کارگر اخراج، 150 کارگر زخمی، 200 کارگر بازداشت شدند که از جمله بازداشت شدگان: علی امید، رحیم همداد، یوسف افتخاری بودند، که تا مهر سال 1320 تحت شرایط بسیار بد در زندان رضاشاهی باقی ماندند و با فرار رضاخان دیکتاتور از ایران، مالکان اصلی این سرزمین از زندان آزاد شدند.

علی امید و رحیم همداد به جنوب بازگشته دوباره کار سندیکایی را از سر گرفتند. علی امید و دوستانش پس از رهایی از زندان تلاش بی شائبه ای را برای دستیابی به مطالبات و رفاه و آسایش کارگران از پی گرفتند. در 1325/4/20 پس از برگزاری سومین

نهضت کارگری ایران همچنان در اهتزاز است و در اهتزاز خواهد بود.

«اتهام ما این است که مدافع منافع کارگرانیم. ما به این اتهام افتخار می کنیم»

مازیار گیلانینژاد – جوانشیر

گزارشی از همایش سیاست گذاری های جدید قانون کار با تاکید بر اسناد حقوق بشری

عزت اله عراقی استاد دانشگاه و نویسنده کتاب حقوق کار در
این همایش چنین گفت:

اصلاح قانون کار مورد تایید همگان است. اما مهمترین دستاورد قانون کار پیشین سهل نبودن اخراج کارگران بود که هم اکنون موانع اخراج در پیش نویس اصلاح قانون کار بصورت غیرمستقیم کنار گذاشته شده است. با اصلاح ماده 27 قانون کار، این قانون بر خلاف گذشته که بسیار طولانی و مفصل تفسیر شده بود، در حال حاضر به گونه ای تنظیم شده است که به منظور تسهیل و تسریع روند اخراج، کلیه تخلفات کارگران به جای شورای اسلامی کار در کمیته انضباطی مطرح و مورد رسیدگی قرار می گیرد. در حال حاضر توسعه فعالیت های کارگری امری واجب است. هرچند که در حال حاضر عدم امکان فعالیت برای نهادهای کارگری روز به روز کارگران را محدودتر کرده است. متأسفانه وزارت کار و تعاون و رفاه اجتماعی در روند اصلاح فصل ششم قانون کار از تعهدات گذشته دولت ایران درباره آزادی تشکل های مستقل کارگری شانه خالی کرده است. طبق تفاهم دولت ایران و سازمان جهانی کار، فصل ششم قانون کار به گونه ای تغییر میکرد تا جای که شرایط کشور اجازه می دهد با روح مقوله نامه 87 سازمان جهانی کار سازگاری داشته باشد، اما در پیش نویس اصلاح قانون کار این مهم در نظر گرفته نشده است. همچنین در فصل بحث بهداشت کار تنها به ایمنی کار محدود شده است. در مورد اصلاح فصل سوم قانون کار باید گفت که طبق این اصلاحیه بحث ممنوعیت کار شبانه مسکوت مانده است. به ماده 21 قانون کار یک بند به عنوان بند «ز» اضافه شده است، که در صورت کاهش تولید و تغییرات ساختاری در کارگاه، شرایط اخراج کارگر تسهیل می شود. طبق اصلاحیه ماده 41 قانون کار روند تعیین مصوبه مزدی و عیدی کارگران بر اساس شرایط اقتصادی کشور تعیین خواهد شد، که این موضوع موجب اجحاف در حقوق کارگران می شود. تغییراتی که در قانون کار آمده است اصلاح نیست دستکاری است.

هر لقمه نانی که امروز از گلوی فرزند کارگر پایین می رود و هر کلمه ای که او در دبستان می آموزد حاصل سالها نبرد خونین و تلاشی پردرد و رنج است. در گذشته ای نه چندان دور در کشور ما بکار بردن کلمه «کارگر» ممنوع بود. می گفتند این کلمه «کمونیستی» است. می بایست بجای آن کلمه «عمله و عمله جات» را بکار برد. تا اوایل 1320 هنوز بقایای سانسور رضاخانی به کلمه «کارگر» ایراد می گرفت. البته سخن بر سر کلمات نیست، بر سر محتوای آنهاست. تا قبل از تشکیل سندیکاهای کارگری و مبارزات درخشان آن در جامعه ایران، کارگران انسان بحساب نمی آمدند. هیچ قانونی از حقوق آنها حمایت نمی کرد. هیچ سازمان و موسسه ای مدافع این طبقه وجود نداشت. رهبران و اعضای اتحادیه های کارگری که مدافعین راستین طبقه کارگر بودند، در زندانهای رضاخانی بسر می بردند. هیأت حاکمه فئودال – سرمایه داری ایران که جنبش کارگری را کوبیده بودند، می کوشیدند کارگران را تحقیر کنند و شخصیت آنان را بشکنند. اصرار آنان در بکار بردن کلمه «عمله» بجای کارگر از همین جا سر چشمه می گرفت. در پشت سر کلمه عمله هزار نوع تحقیر و تخفیف خوابیده بود. صاحبان موسسات تولیدی و مقامات دولتی مدافع آنان، حق خود می دانستند که با کارگر – عمله مانند حیوانات رفتار کنند، توهین، ناسزا و تحقیر نسبت به کارگران امری عادی بود. تنبیه بدنی رواج داشت، فرزندان کارگران به دبستان راه نداشتند، از بهداشت خبری نبود. دستمزدها به قدری نازل بود که شکم فرزندان کارگر را بانان خالی هم سیر نمی کرد.

البته امروز هم وضع طبقه کارگر ایران درخشان نیست. امروز هم سطح زندگی کارگران به مراتب پایین تر از آن است، که باید باشد. زمانی که در اوایل سالهای 1320 برای نخستین بار شعار «نان برای همه، فرهنگ برای همه، بهداشت برای همه» مطرح شد، اوضاع صد بار بدتر از امروز بود. بسیاری از نمایندگان طبقات حاکم در قبال این شعار با تعجب و وحشت می گفتند: مگر ممکن است؟ مگر خدا پنج انگشت را به یک اندازه آفریده؟ چگونه ممکن است نان، فرهنگ، بهداشت برای همه باشد؟

تا سال 1325 هیچ قانونی بر مناسبات کارگر و کارفرما حکومت نمی کرد. نظمی در دستمزد ها، ساعات کار، مرخصی، بیمه و بازنشستگی وجود نداشت. چنان که گفتیم امروز، زندگی کارگران ایرانی هنوز از سطح مطلوب، بسیار فاصله دارد. اما اشتباه است اگر یک لحظه فراموش کنیم که همین یک لقمه نان هم که از گلوی فرزندان کارگر پایین می رود، همین یک روز تعطیلی هفتگی که کارگر می تواند در کنار زن و فرزند خود باشد، همین به مدرسه رفتن کودکان کارگر و همه و همه ی اینها به بهای نبرد طولانی طبقه کارگر زیر رهبری سندیکاهای کارگری، بدست آمده است. سندیکاهای کارگری را به دلیل اینکه در مبارزات کارگری و دفاع از حقوق زحمتکشان و نبرد علیه استعمار و استبداد در صف نخست بوده، بارها به محاکمه کشیده اند. مبارزان سندیکایی سالها در زندان و تبعیدگاهها به سر برده اند. علی امیدا امروز در میان ما نیستند، اما پرچم پر افتخار



علی مرندی (کارگر)

به مناسبت جنبش 99%

فضای هولناک

دیو و دد را تا ابد خواهم نوشت
مردم از پای افکند خواهم نوشت
هر کسی دد پرورد خواهم نوشت
من تو را بدتر ز دد خواهم نوشت
غرق خون کس را کند خواهم نوشت
پای خود را کج نهاد خواهم نوشت
آنکه سد ره شود خواهم نوشت
این عمل را شغل دد خواهم نوشت
آنکه افزون تر برد خواهم نوشت
حال از نقش خرد خواهم نوشت
خون مردم می مکد خواهم نوشت
از همه دژخیم و دد خواهم نوشت
نان خالی می خورد خواهم نوشت

در جهان از دیو و دد خواهم نوشت
آنکه با اعمال زور و افترا
در چنین وحشت سرا بی ترس و لرز
متکی ای تو به انبار اتم
در سیه چال ستم دژخیم مرگ
الغرض امروز اگر سرمایه دار
ره به مقصد از عدالت می رسد
نیست در آیین ما اعدام کس
در چنین دنیای بی سامان ز حرص
جهل با حکم زمان درمان شود
آنکه چون زالو به گیتی یکسره
عاقبت در این فضای هولناک
آخرین گفتارم آنکه روز و شب

از چپاول کارگر در این زمان

از وجود یک به صد خواهم نوشت

